

تأملی بر مقوله توقیف آثار نمایشی به بهانه رفع توقیف از سریال «سرزمین کهن»

یک بار برای همیشه



مازار معاونی

توقیف آثار نمایشی در تاریخ آثار نمایشی ایران حکایت طول و دراز و دردناکی است که ردپای آن را می‌توان در دهه‌های مختلف رصد کرد و البته در عرصه سینما فراگیرتر از مدیوم تلویزیون بوده است به گونه‌ای که با اندکی تأمل فهرستی از آثار سینمایی ساخته‌شده در بازه زمانی نیم‌قرن گذشته به ذهن متبادر می‌شود که چه در نظام سیاسی گذشته و چه در طول چهار دهه گذشته مشمول حساسیت‌های نظارتی شده و برای مدت‌زمان‌های کوتاه تا چندساله و حتی برای همیشه مجوز آن‌گرفتند که فیلم ضعیف و نازل «آرادتمند، نازنین، بهاره، بهار، تینا» ساخته عبدالرضا کاهانی یکی از آخرین و شناخته‌شده‌ترین آنهاست. اما در طول تاریخ پنجاه‌واندی ساله تلویزیون مقوله توقیف همیشگی یا طولانی‌مدت سریال‌های نمایشی به شدت و حدت سینما نبوده و معمولا این رسانه با استفاده از تیغ سانسور و جرح و تعدیل آثار مورد حساسیت، آنها را به هر شکلی که بوده روانه آنتن کرده یا از توقف پخش آنها برای مدت‌زمان طولانی ممانعت کرده است. در حافظه نمایشی مخاطبان تلویزیونی سریال جرح و تعدیل‌شده «در پناه توه» ساخته زندی‌دباید حمید لیخنده که سال ۱۳۷۵ از شبکه دوم سیما پخش می‌شد، یکی از آشکارترین مصادیق اعمال میزری تلویزیونی است که با حذف فصل‌های قابل توجهی از این سریال و اعمال یک نریشن تحمیلی روی سکانس انتهایی، در نهایت امکان پخش از آنتن شبکه دوم سیما را پیدا کرد و با وجود حساسیت‌های فراوان در زمان پخش این سریال، محدودیت توقیف همیشگی یا چندساله پخش شامل حالش نشد. در زمان پخش این سریال، با توجه به دورشدن از فضای محدود دهه اول انقلاب و تقابل جدی دست‌اندرکاران سینما و تلویزیون با مقوله ستاره‌سازی و فراگیرشدن شهرت بازیگران این دو رسانه، حساسیت‌ها نسبت به عملکرد این دو رسانه تشدید شده بود که دامن این سریال و ستارگان جوانش را گرفت تا جرح و تعدیل‌های غیرقابل توجیه و سخت‌گیرانه بسیاری را متوجه آن کند. در ویدئوهای کوتاهی که مرحوم حمید لیخنده پیش از درگذشت نابهنگامش در شبکه‌های اجتماعی از حذقیات این سریال منتشر می‌کرد، کاملا مشخص بود که آن همه سخت‌گیری غیراصولی و ناشی از تشدید فشارها بر تلویزیون بوده که غالباً به عنوان یک رسانه عاقبت‌طلب تسلیم فشارهای بیرونی بوده است. از مصادیق دیگر می‌توان به سریال «اشک‌ها و لبخندها» ساخته مناسبتی حسن فتحی اشاره کرد که برای پخش در نوروز ۱۳۸۸ آماده شده بود، اما بنا بر تصمیم‌گیری عجولانه و دقیقه‌نودی تلویزیون و در حالی که به دلیل جایگاه این مجموعه‌ساز و آثار خوبی که برای تلویزیون ساخته بود، بسیاری از بینندگان سیما در انتظار پخش آن بودند، یکباره از کندانکتور پخش کنار گذاشته شد و پس از تعطیلات به شکل هرشسی روی آنتن رفت تا فقط کام مخاطبان تلویزیونی را تلخ کرده باشد. مطمئنا با کمی تأمل و تعمق در فهرست سریال‌های نمایشی تلویزیونی می‌توان به مصادیق دیگری هم رسید. اما اینکه یک سریال برای مدت زمان ۱۰ساله آن‌هم بدون ارائه توضیح خاص در مورد سرنویشت نهایی آن به محاق برود، از آن دست اتفاقات ناردی است که دامن‌گیر سریال «سرزمین کهن» شد تا از بهمن سال ۱۳۹۲ تا مهر سال جاری یک دوران طولانی توقیف و بی‌خبری را پشت سر بگذراند.

جراحی توقیف سریال «سرزمین کهن» به حساسیت قوم‌پختاری به عنوان یکی از اقوام کهن سرزمین ایران به یکی از دیالوگ‌های این سریال بود که در آن تصویری ضد میهنی و متهم به خیانت از این قوم کهن ترسیم شده بود. بلافاصله پس از پخش این قسمت از مجموعه، اهالی منطقه که نمایندگان آنها در مجلس و دیگر مقامات استانی هم همراهی‌شان می‌کردند، اعتراضات تندی را متوجه این سریال و تلویزیون به عنوان نهاد سازنده آن مطرح کردند که با دستور توقف موقت پخش سریال و سفر رئیس وقت سازمان صداوسیما به منطقه و دلجویی از قوم بختیاری با راهکارهایی نظیر پوشیدن لباس محلی بختیاری هم آن‌چنان که باید و شاید فروکش نکرد تا تلویزیون که قول انجام اصلاحات در دیالوگ‌ها و سکانس‌های حساسیت‌برانگیز را داده بود سکوت را بر واکنش متناسب با موقعیت ملتپه پیش‌آمده ترجیح ه‌د تا چراغ یک

در نشست تخصصی گفت‌وگوی کارگردان با فیلم‌نامه‌نویس مطرح شد

کمال تبریزی:اهمیت پایان فیلم بیشتر از شروع آن است

کمال تبریزی در نشست تخصصی گفت‌ووی کارگردان با فیلم‌نامه‌نویس از سری نشست‌های تخصصی «۲۰۴۰-۲۰» گفت: اکثر فیلم‌های من پایان ندارند و گاهی برای فیلم‌هایم چندین سکانس پایانی می‌گرفتم اما در آخر استفاده‌ای از آنها نمی‌شد. سومین نشست تخصصی روز اول این رویداد با عنوان گفت‌وگوی کارگردان با فیلم‌نامه‌نویس با حضور کمال تبریزی دبیر جلسات و محمدرضا گوهری و سیدجواد صفوی در سالن شماره ۱۲ پردیس سینمایی ملت برگزار شد.

در ابتدای این نشست سیدجواد صفوی گفت: صرفا یک بار تصویری از یک دخترخانم نوجوان دیدم که به ذهن رسید گیتاری به روی دوش داشت و شبیه اسلحه بود و در ادامه بقیه داستان در ذهنم نقش بست. در ادامه محمدرضا گوهری بیان کرد: وقتی شما در حال طرح ایده اولیه هستید مسئله این است که مثلا آیتنا شخصیت داستان در یک مسیر قرار گرفته است، فکر می‌کنید کاراکتر دیگر، پانید هم در آن مسیر قرار گرفته و این یک اقدام آگاهانه از سوی فیلم‌نامه‌نویس است تا مخاطب متوجه مسیر هر دو شخص شود.

او با اشاره به فیلم‌نامه ارائه‌شده در نشست ادامه داد: من اگر این فیلم‌نامه را بخوام بسازم، با این ایده موافق هستم که آیتنا با آن اتفاقی که برایش افتاده است، همیشه نگاه بدبینانه‌ای به همه مردها دارد؛ اما سازوکار فیلم‌نامه را به شکلی طراحی کردم که زمانی پیش بیاید که این بدگمانی در دختر ایجاد شود و پدر دختر، او را از آن بدگمانی دربیابود و احساس می‌کنم اگر ما می‌خواهیم شخصیت دختر و پدر را در فیلم بیاوریم، باید کاربردی داشته باشد.

گوهری بیان کرد: وقتی قصد ساخت فیلم‌نامه‌ای را داریم ابتدا باید بتوانیم فیلم را یک بار با تمام جزئیات فیلم در ذهن خود ببینیم و در این فیلم احساس می‌کنم پدر آگاهانه می‌تواند سعی کند نگاه دختر را تغییر دهد.

در ادامه سیدجواد صفوی با اشاره به فیلم‌نامه ارائه‌شده در نشست، نظر خود را این‌گونه شرح داد: من فکر می‌کنم مخاطب اگر فیلم را تماشا کند می‌بیند که پدر آیتنا، پدر مهربانی است و دیدگاه آیتنا اشتباه است، زیرا مخاطب ما می‌داند که دیدگاه آیتنا چیست؛ به همین دلیل فکر می‌کنم کارکرد پدر

سریال فاخر که میلیاردها تومان برای ساخت آن بودجه صرف شده و نیروی انسانی عظیمی را برای مدت‌زمان طولانی به خدمت گرفته است برای ۱۰ سال خاموش شود. در این خصوص که آیا چنین اعتراضاتی به عملکرد گروه سازنده سریال وارد بوده یا خیر، حرف و حدیث‌ها و استدلالات بسیاری به‌ویژه در همان زمستان ۱۳۹۲ که التهاب موضوع بسیار بود، مطرح شد که شاید هنوز هم جای تأمل و تفسیر داشته باشد، اما در یک نکته نمی‌توان شک کرد و آن اینکه در ساختار جامعه ایران اصلا تمایز و تفاوت چندانی میان دنیای واقعی و عینی و دنیای نمایش و اقتضانات آن وجود ندارد، گویی که از اقوام مختلف این سرزمین تا فعالان صنوف مختلف و… در کمین نشسته و آماده و منتظرند تا حتی اگر تصویر استیلیزه و تمام‌مبثتی که توقع بازتاب آن در آثار نمایشی را دارند با آنچه که در عمل نمایش داده می‌شود درصد کمی متفاوت باشد، سیل موضوع‌گیری‌های صنفی، مردمی و پارلمانی نمایندگان آن خطه به سوی سازندگان آن اثر نمایشی سرازیر شود؛ یک واکنش احساسی و فاقد درک درست از اقتضانات دنیای نمایش. در حالی که با اندکی دقت نظر و تأمل می‌توان به این نتیجه منطقی رسید که رسانه‌های نمایشی بنا بر ذات هنر نمایش واقعیات عینی جامعه را بازتاب می‌دهند، بدیهی است که در هر دوره تاریخی ازجمله همین دهه‌های اخیر، نه‌تنها در ایران بلکه در سرتاسر دنیا در میان تمام اقوام و نژادها و صنوف مختلف شغلی، هم اکثریت درستکار و پاکدست وجود دارند و هم اقلیت خلافکار و ناپاک، هم در جامعه پزشکان و مهندسان و حقوق‌دانان و کسبه و… می‌توان پرونده‌های تخلف را رصد کرد و هم در میان اقوام مختلف این سرزمین مجرمان، خلافکاران و خائنانی بوده و هستند که علیه منافع ملی و اجتماعی ملت خود عمل کرده و تاوانش را با مجازات و منفورشدن در تاریخ و در پیشگاه ملت‌شان پرداخت کرده و می‌کنند. با استناد به چنین واقعیت غیرقابل انکاری مطمئنا نمی‌توان صرف اینکه در دنیای نمایش فردی از یک قومیت خاص یا یک از صنف شغلی به عنوان یک فرد خلافکار یا مجرم تصویر شود آن را به حساب کلیت آن قوم یا صنف گذاشته، اقتضانات ذاتی هنر نمایش را فراموش کرده و علیه گروه سازنده یا رسانه متولی آن جنجال به پا کرد. البته همان‌گونه که پیش‌تر هم گفته شد درخصوص سریال «سرزمین کهن» که تلویزیون از سر عاقبت‌طلبی و محافظه‌کاری‌های بیش از حد خود نام آن را به «سرزمین مادری» تغییر داده، باید

کارشناسان تاریخی و اجتماعی و رسانه‌ای در یک فضای دور از جنجال اظهارنظر کنند و کلیتی فراگیرتر از سرنویشت این مجموعه مدنظر این نوشته است. اما به هر حال ضروری است که یک بار برای همیشه تکلیف این حساسیت‌ها که تبعات مخربی مثل معوق‌ماندن سرمایه‌های نمایشی را به دنبال دارند روشن شود و به قول معروف این استخوان از لای زخم دربیاید. بعید است علاقه‌مندان هنر نمایش اعتراضات جامعه پرستاران کشور به تصویری را که از یک پرستار زن در فیلم سینمایی «شوکران» ساخته بهروز افخمی به پا شد، از یاد برده باشند؛ اعتراضاتی غیروارد و احساسی که از سر هیجان ابراز شد در حالی که در آن اثر هیچ توهین آشکاری به کلیت جامعه پرستاری کشور وارد نشده بود و صرف تصویرشدن یک کاراکتر پرستار را که با یک مرد متأهل ارتباط برقرار کرده، نمی‌شد به حساب توهین به کل جامعه محترم پرستاری کشور گذاشت. نظیر همین اتفاق در زمان پخش سریال «در حاشیه» ساخته مهرا مدیری رخ داد که در قصه آن یک‌سری آدم سودجو و کم‌سواد که اساسا پزشک هم نبودند به شکل غیرقانونی اداره یک بیمارستان را در یک اتمسفر طنزآمیز بر عهده گرفته بودند و اساسا اتهامی متوجه جامعه پزشکان تحصیل‌کرده و مدرک‌دار مطرح نشده بود که آن هجمه و یهاو را به دنبال داشت باشد. شاید اشاره به حواشی پس از پخش فصل اول سریال موفق «پایتخت» هم خالی از لطف نباشد که واکنش چندروزه تعدادی از اهالی استان مازندران و مقامات محلی این استان را با استدلال تمسخر لهجه این خطه در پی داشت ولی با سعه صدر و گذشت زمان معلوم شد که چنین هدفی مدنظر سازندگان این مجموعه دنباله‌دار نبوده و به واسطه همان سعه صدر این سریال به یکی از موفق‌ترین آثار طنز دنباله‌دار تاریخ تلویزیون بدل شد.

شاید بهتر باشد بحث را با این امیدواری به پایان برد که توقیف ۱۰ساله «سرزمین کهن»، جرح و تعدیل‌های احتمالی مترتب بر آن، کم‌رنگ‌شدن اقتضانات زمان ساخت سریال در قیاس با اقتضانات امروزی که بی‌تردید اثر خود را بر پرداخت و کیفیت نهایی یک سریال نمایشی بر جای می‌گذارند و البته ادامه سیاست محافظه‌کارانه تلویزیون که به پخش این مجموعه در سایت تلویویون اقدام و از پخش آن روی آنتن دست‌کم تا زمان نگارش این مطلب پرهیز کرده است، در مجموع به ضرر اثری که بودجه و نیروی انسانی فراوانی صرف ساخت آن شده تمام شده باشد.

یک خواب شروع می‌شوند و من این شروع تکراری را نمی‌پسندم و دوست دارم کمی متفاوت‌تر فیلمم را شروع کنم که اگر من کارگردان بودم صحنه فیلم را با خواب شروع نمی‌کردم.

سیدجواد صفوی بیان کرد: نظر من بر این است در ابتدا باید کمی با آیتنا آشنا شویم اما اینکه فیلم با حالت خواب شروع شود نظری دراین‌باره ندارم. بااین‌حال، سؤال اصلی اینجاست که فیلم باید چطور به انتها برسد؟ گوهری بیان کرد: مخاطب باید دریافتی از احساس کاراکترها به هم داشته باشد.

کمال تبریزی درباره نحوه شروع فیلم گفت: شروع فیلم می‌تواند با یک عکس همراه باشد و بعد تکمیل شود، اما همیشه لازم نیست فیلم با سکانس‌های شبیه به هم ساخته شود. کاش بتوانیم فکر کنیم در این خواب یا همان رؤیا شخص چه چیز دیگری می‌تواند ببیند که به آن فکر کند؛ اما دوست دارم یک شروع کوینده داشته باشیم. همچنین درباره پایان فیلم نظرم این نیست که این‌گونه تمام شود، زیرا صحنه پایانی باقی می‌ماند. او ادامه داد: اکثر فیلم‌های من پایان ندارند و گاهی برای فیلم‌هایم چندین سکانس پایان می‌گرفتم اما در آخر استفاده‌ای از آنها نمی‌شد. منم‌خدا اینکه پایان داستان چطور تمام شود خیلی مهم است. شخص‌صا معتمد اهمیت پایان فیلم از شروع آن بیشتر است ولی به طور کلی هر دو اهمیت بسزایی دارند، من توجه به هر دو را دوست دارم.

کمال تبریزی در پایان این نشست تخصصی تأکید کرد: در سینما قرار نیست همه چیز منطق داشته باشد و گاهی منطق درونی وجود دارد. همچنین معتمد سینمای کوتاه در مقابل سینمای بلند مانند یک عکس است؛ اینکه فیلم کوتاهی قابلیت گسترش و تبدیل به فیلم بلند را دارد و لزوماً بد نیست. اساسا در فیلم مخصصا در فیلم کوتاه، اگر یک رفتار یا یک اتفاقی را مشاهده می‌کنیم نباید حتماً قبیش توضیح دهیم که چرا این فرد در حال انجام چنین رفتاری است و لقمه را راحت در اختیار مخاطب قرار ندهیم و اتفاقا فیلمی که بتواند کنجگویی مخاطب را برانگیزد که حتی مخاطب کنجگاو شود و چند بار فیلم را ببیند خوب است.

این اثر نمایشی بین‌المللی فیلم کوتاه تهران به دبیری چهلمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران به دبیری مهدی آذرنیاز در ۲۷ مهر تا ۲ آبان ۱۴۰۲ در حال برگزاری است.

اخبار برگزیده

اکبر قدمی، بازیگر سینما و تلویزیون درگذشت



انجمن بازیگران سینمای ایران در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: «بازگشت همه به سوی اوست. متأسفانه و در کمال اندوه مطلع شدیم همکار عزیزمان آقای اکبر قدمی که در خارج از کشور به سر می‌بردند، پس از تحمل دوران سخت بیماری به آرامش ابدی رسیدند.

شورای مرکزی انجمن بازیگران سینمای ایران صمیمانه‌ترین مراتب تسلیت خود را به حضور خانواده محترم این بازیگر با سابقه سینما و تلویزیون کشورمان و همچنین همکاران گرامی تقدیم می‌دارد».

اکبر قدمی متولد ۱۳۳۰ در فیلم‌های متعددی ازجمله «مسافران»، «روز شیطان»، «شیخ مفید»، «تحفه‌ها»، «مرد عوضی»، «مجسمه» و «رؤیای خیس» و همچنین سریال‌های متعددی مانند «مرد هزار چهره»، «شهریار»، «خواب و بیدار»، «پلیس جوان»، «ورژنه آقای نیکبخت» و «کیف انگلیسی» به ایفای نقش پرداخته بود.

کن لوچ و ایتن هاوک در جشنواره استکهلم تجلیل می‌شوند

مهر: جشنواره بین‌المللی فیلم استکهلم از کن لوچ با اهدای جایزه یک عمر دستاورد هنری، ایتن هاوک با اهدای جایزه دستاورد و کاترین بریلات با اهدای جایزه ویژه‌یژنری تجلیل می‌کند.

این جشنواره امسال فیلم «بیچارگان» یورگوس لانتیموس را که برنده جایزه شیر طلایی ونیز شد، به‌عنوان فیلم افتتاحیه خود برگزیده است. امسال در مجموع در این جشنواره ۱۳۰ فیلم از ۵۰ کشور به نمایش درمی‌آید و تمرکز این جشنواره سینمای کشور بریتانیاست و فیلم‌هایی از سینمای این کشور در فهرست نمایش جای دارند که «همه ما غریبه‌ها» از اندرو هیگ ازجمله آنهاست.

از دیگر انتخا‌ت‌های درخور توجه در این رویداد می‌توان به «سناریوی رؤیایی» نوشته کریستوفر بورگلی، «بزهکاران» اثر رودریگو مورون، «دارندگان» اثر الکساندر پین، «من کاپیتان» اثر متئو کارونه، «جامعه برف» اثر جی‌ای یابونا و «۲ روز در ماریپول» اثر سمیتسیلاو چرنوف اشاره کرد. از سوی دیگر این جشنواره اولین نمایش اروپایی سریال کمدی «نفرین» از A24 با بازی اما استون، ناتان فیلدر و بنی سفدی را میزبانی می‌کند.

نشست‌های جشنواره بر هوش مصنوعی و خلاقیت متمرکز خواهد بود. سرقت محتوا، آینده استریمرها و برگزاری مسترکلاسی با دیوید اف سندنبرگ سازنده «شزم»، بررسی فیلم «حمام خون استکهلم» با کارگردان میکائیل هافستروم و تهیه‌کننده‌اش هلنا دانلیسون، برگزاری کارگاه فیلم‌برداری با نیکون و نگاه‌ی به آینده سینمای سوئد از دیگر موضوعات این نشست‌هاست. این جشنواره از ۸ تا ۱۹ نوامبر (۱۷ تا ۲۸ آبان) برگزار می‌شود.

دورهمی پیش‌کسوتان در «بنگاه تئاترال»

مهر: پردیس تئاتر شهزاد از ۹ مهرماه میزبان نمایش «بنگاه تئاترال» به کارگردانی هادی مرزبان شده است.

هادی مرزبان که از کارگردانان پیش‌کسوت و شناخته‌شده تئاتر ایران است و به اجرای آثار زنده‌یاد اکبر رادی شهرت دارد، در جدیدترین تجربه خود به سراغ نمایش‌نامه معروف «بنگاه تئاترال» نوشته علی نصیریان رفته است.

«بنگاه تئاترال» که حدود ۵۰ سال قبل و در دهه ۴۰ از سوی خود نصیریان به روی صحنه رفته بود، یک نمایش تخت‌حوضی و فولکلور قدیمی است که در اجرای آن از تکنیک‌های نمایش‌های سنتی ایرانی بهره گرفته شده است. مرزبان پیش از این دو بار این نمایش را به صحنه برده که روی هم رفته نزدیک به صد اجرا داشته است.

در این اثر نمایشی که از قصه‌های کهن وام گرفته شده است، پهلوان جوان به وسیله شخصیتی به نام ووره‌جادو طلسم شده و در خواب فرو می‌رود و دخترک عاشق داستان تصمیم می‌گیرد طلسم را نابود کرده و جوان را از خواب بیدار کند.

در این نمایش هنرمندان پیش‌کسوت تئاتر دور هم جمع شده‌اند تا نمایشی شادی‌آور را به صحنه ببرند؛ از مجید مظفری و علی فتحعلی و رسول نجفیان گرفته تا داود فتحعلی‌بیگی و محمود بصیری که بعد از سال‌ها با این اثر نمایشی روی صحنه تئاتر برگشته است.

در کنار این هنرمندان، بازیگران جوانی مانند هادی عطایی، سامان تیرانداز، آیه قبادیان، کوروش رخشنده، محمدرضا میرحسینی، حاتم میرزایی، علی یارلو، مهرداد ابریشم‌کار، نگار مقدسی، آرزو صراف، لیدا معتمد، زهره رستگارمقدم و… نیز در «بنگاه تئاترال» به ایفای نقش می‌پردازند.

این اثر نمایشی از ۹ مهرماه ساعت ۲۱:۳۰ در سالن شماره ۱ پردیس تئاتر شهزاد روی صحنه رفته است.

عکس:کانونشعبان، آیتنا